

تیرماه ۱۴۰۰

## هرآنچه از **طالبان** فعلی و وضعیت این روزهای **افغانستان** باید بدانیم...

به همراه سیاست‌های رسانه‌ای پیشنهادی

الإسلام سؤال وجواب



اندیشکده راهبردی زمانه

محفلی برای راهبردهای رسانه‌ای





این گزارش، چکیده‌ای از گفت‌وگوهای کارشناسان مخالف، موافق و بی‌طرف در این موضوع بوده و لزوماً دربردارنده تمام نظرات و ابعاد قضیه نیست. گزارش پیش‌رو حاصل جمع‌بندی شورای علمی اندیشکده زمانه است که با هدف تبیین اجمالی از صحنه وضعیت کلی موقعیت طالبان در افغانستان آماده شده است و طبیعتاً قابل نقد و بررسی مجدد کارشناسی می‌باشد. شایان ذکر است این گزارش لزوماً دربرگیرنده نظرات رسمی نظام نیست.

پیشاپیش از اینکه این تلاش تبیینی مورد نقد و بررسی کارشناسان قرار گیرد، کمال تشکر را داشته و مجدداً استقبال می‌کنیم.

## نظام سئوالات و ابهامات مدیران، فعالان و کنشگران رسانه درباره آرایش صحنه و وضعیت این روزهای افغانستان

- 1  
• ماهیت شناسی طالبان:  
• طالبان چیست، کیست و از کجاست؟
- 2  
• نفوذ مردمی طالبان چه میزان است؟  
• اقبال عمومی به طالبان و دولت افغانستان چه نسبتی با هم دارد؟
- 3  
• نسبت طالبان با گروه های تروریستی (القاعده و داعش) چگونه است؟  
• تضمینی برای عدم ائتلاف دوباره آنان وجود دارد؟
- 4  
• نسبت طالبان با ایران چگونه است؟  
• علت تعامل فعلی ایران با طالبان چیست و این روابط تا چه حدی است؟  
• سیاست فعلی ایران، تصمیم سیاسی دولت روحانی است یا کل نظام؟
- 5  
• سناریوهای پیش رو درباره آینده افغانستان کدامند؟
- 6  
• سیاست های رسانه ای متناسب با شرایط فعلی و پیش رو چه باید باشد؟  
• رسانه های رسمی و رسانه های اجتماعی هر کدام چه نقشی بایستی ایفا کنند؟

طالبان یا در اصطلاح افغان "طالب‌ها" که تشکیلات خود را **امارت اسلامی افغانستان** می‌نامند، یک جنبش و یک سازمان نظامی متشکل از علمای سنی در افغانستان است. طالبان، از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ با نام امارت اسلامی افغانستان بر این کشور حکومت کرد. شیوه اداره افغانستان در روش طالبانی، غیردموکراتیک بوده و بر اساس مدل بومی منطقه است. همواره طالبان به دلیل اجرای حدود اسلامی، مبارزه با امریکا و ناتو، تخریب مجسمه‌های تاریخی از جمله مجسمه‌های بودا، محکوم به خشونت و تندروی شده‌اند که بخشی از این تندروی‌ها در رفتار طالبان دیده شده و می‌شود. کشورهای پاکستان، امارات متحده عربی و عربستان سعودی تنها کشورهایی بودند که طالبان را در زمانی که حکومت تشکیل داده بود، به رسمیت شناختند. طالبان به دلیل هم‌پیمانی با **القاعده** و پس از حملات ۱۱ سپتامبر توسط این گروه، در پی حمله آمریکا به افغانستان، قدرت را از دست داد. اما از سال ۲۰۰۶ بار دیگر ضمن اعلام موجودیت، با دولت مستقر افغانستان و نیروهای خارجی حاضر در افغانستان مبارزه مسلحانه را آغاز کردند. نفوذ طالبان بیشتر در قسمت‌های جنوب افغانستان به ویژه زابل، قندهار و هلمند است. رهبر کنونی طالبان پس از کشته شدن ملا اختر منصور، از سال ۲۰۱۶ مولوی هبت‌الله آخوندزاده است. طالبان کاملاً تشکیلاتی، سیستماتیک و بر اساس قوانین داخلی محکم اداره می‌شود و کل رده‌ها و نیروها، در یک ارتباط تشکیلاتی با مرکز این تشکیلات، کاملاً مطیع راس تشکیلات می‌باشند.

## نسبت نفوذ مردمی و اقبال عمومی طالبان و دولت افغانستان

ترکیب قومیتی در افغانستان ۴۰ میلیونی به گونه‌ای است که هیچ یک از ده قوم بزرگ افغان (شامل پشتون‌ها، تاجیک‌ها، هزاره‌ها، ازبک‌ها، ایماق‌ها، ترکمن‌ها، قزلباش‌ها، بلوچ‌ها، پشه‌ای‌ها و سادات) اکثریت مطلق جمعیت را در اختیار ندارند؛ اما پشتون‌ها با ۱۶ میلیون نفر (حدوداً ۴۰ درصد جمعیت این کشور) بزرگ‌ترین گروه قومی افغانستان به حساب می‌آیند که طالبان نیز از همین قوم است. برخلاف آنچه رسانه‌ها در مورد طالبان بزرگ‌نمایی می‌کنند، طالبان در میان مردم افغانستان نفوذ و مقبولیت دارند. دلیل این مقبولیت را باید در **ضعف دولت مرکزی و تفاوت‌ها و تغییر رویکردهای** عمده‌ای دانست که طالبان در خود به وجود آورده است. در انتخابات اخیر افغانستان، **۱۹ درصد مردم** در انتخابات شرکت کردند و رئیس جمهور منتخب، تنها با **۹۲۳ هزار رای**، آن‌هم با مناقشه فراوان رئیس جمهور شد؛ عملاً دولت افغانستان، نه پایگاه مردمی دارد و نه قدرتی برای اداره امور این کشور. از سوی دیگر با توجه به ضعف دولت مرکزی، فساد بالای دستگاه دولتی، وادادگی در برابر کشورهای غربی خصوصاً امریکا، و نوستالوژی حکومت مقتدر و مستقل طالبان در سال‌های گذشته، همچنین اصلاحات عمده طالب‌ها در این سال‌ها، که موجب فاصله گرفتن از تندروی‌های گذشته شده است نفوذ مردمی‌شان افزایش داشته است. توجه به این نکته هم ضروری است که اگر مقبولیت از سوی مردم وجود نداشت، در ماه‌ها اخیر پیش‌روی طالبان در شهرها و ایالت‌های افغانستان به این سادگی رخ نمی‌داد.

### نسبت طالبان با گروه های تروریستی القاعده و داعش

از جمله نشانه های آشکار و غیر قابل اغماض تغییر رویکرد طالبان نسبت به گذشته، عدم همکاری با داعش در ایام اوج یکه تازی این گروهک تکفیری است. طالبان در زمان به قدرت یافتن داعش، بسیار تحت فشار برای بیعت با این گروهک تروریستی قرار داشت و حتی یک تایید اجمالی از سوی طالبان برای داعش کفایت می کرد؛ اما رهبران طالبان نه تنها زیر با این موضوع نرفتند، بلکه در مقابل داعش در افغانستان ایستادند و نیروهای ویژه طالبان با داعش جنگیدند و دفعشان کردند.

### نسبت طالبان با ایران / علت تعامل فعلی ایران با طالبان

یکی دیگر از نشانه های ملموس تغییر رویکرد تکفیری و عملگرایی طالبان و تعدیل آن، **توقف هرگونه عملیات تروریستی و نظامی علیه ایران از سال ۱۳۸۵** است؛ که از آن سال به این طرف، دیگر از سوی مرز افغانستان و طالبان تهدید امنیتی نداشتیم و بلکه تهدیدها از سوی مرز پاکستان بوده است.

طالبان بر اثر رفتار منطقی ایران در قبال افغانستان، جمهوری اسلامی را **دلسوز** برای این کشور می داند و مذاکرات خود را در کنار کشورهای هند، پاکستان، چین و روسیه همچنین امریکا، با ایران نیز آغاز کرده است.

پوست اندازی طالبان مشهود است اما شیعیان و برخی از اقوام این کشور، به دلایل قومیتی، دینی و سابقه منفی گذشته، دل خوشی از طالبان ندارند.

- به نظر می رسد جمهوری اسلامی، بر اساس اصل تعامل با کشورهای همسایه و تلاش برای تامین امنیت و ثبات ایران و کشورهای منطقه، با توجه به دلایل متعدد از جمله تغییر هویت طالبان و رفتار صحیح سیاسی- نظامی نسبت به گذشته، همچنین تبدیل شدن طالبها به قدرت اول در افغانستان، ضروری دانسته است جهت تعامل با این گروه که احتمالاً حکومت آینده این کشور را نیز در اختیار خواهند داشت، برای حفظ منافع ملی کشور مذاکره و گفت و گو کند.

- همچنین تامین منافع شیعیان افغانستان نیز از اولویت های ایدئولوژیک نظام اسلامی است که به نظر می رسد با مذاکره به موقع با طالبان تامین خواهد شد.

- شاید بتوان گفت در لایه سوم، موضوع مذاکره با طالبان به عمق استراتژیک سیاست خارجی فعلی برمی گردد که تمام نظام تصمیم به خروج امریکا از منطقه را گرفته اند که این یکی از راه های تحقق خروج امریکا از افغانستان نیز، مذاکره و حمایت از طالبان برای خروج هرچه سریع تر نیروهای امریکایی از این کشور است.

## سناریوهای پیش رو درباره آینده افغانستان

به نظر می‌رسد با توجه به ضعف پایگاه اجتماعی و ساختاری دولت افغانستان، فساد بالای مسئولان دولتی، خروج نیروهای خارجی از افغانستان، همچنین حضور قدرمند طالبان جدید در عرصه سیاسی اجتماعی افغانستان، یا حکومت فعلی همچون سال ۱۹۹۶ جای خود را به امارت اسلامی افغانستان یا همان طالبان خواهد داد و یا بخش قابل توجهی از کشور در اختیار آنان قرار خواهد گرفت؛ با این تفاوت که طالبان فعلی با طالبان آن سال‌ها تفاوت‌هایی دارد و تغییرات اساسی در خود ایجاد کرده است.

## چالش‌های پیش رو

- ناراحتی بخشی از شیعیان افغانستان از سیاست اتخاذی ایران
- اعتراض بخشی از مدافعان حرم افغانستانی (لشکر فاطمیون) نسبت به تصمیم ایران
- تیرگی روابط رسمی جمهوری اسلامی با دولت فعلی افغانستان
- افراطی‌گری و خشونت برخی از نیروهای طالبان در مناطق تصرف شده
- افزایش فشار زیستی بر شیعیان افغانستان
- بدعهدی طالبان نسبت به توافقات صورت گرفته پس از تثبیت قدرت
- افزایش مهاجرت مردم افغانستان به ایران
- ورود عربستان، امارات و ترکیه به صحنه درگیری‌ها و مشروعیت بخشیدن به حضور نظامی خود در جوار مرزهای ایران
- افزایش موج اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در کشورهای غربی با توجه به انتشار تصاویر افراطی‌گری‌های اسلامی در افغانستان
- شکست مدل "دولت دموکراتیک" در افغانستان به دلایل مختلف از جمله ورود ناصحیح دموکراسی توسط آمریکا در این کشور همچنین عدم تطابق دولت دموکراتیک با بافت بومی و منطقه‌ای و جامعه سنتی افغانستان
- بدبینی به توافق آمریکا و طالبان در خصوص خروج آمریکا از این کشور با توجه به بدعهدی امریکایی‌ها و میل ذاتی دولتمردان امریکایی به ادامه حضور نظامی (ولو محدود) در منطقه

### رسانه های رسمی

۱. حمایت قطعی از سیاست جمهوری اسلامی در قبال افغانستان و طالبان خصوصا میانجی‌گری ایران میان طرفین
۲. تبیین تغییر ماهوی طالب‌ها و تشریح اوضاع آشفته افغانستان با وجود نیروهای خارجی و دولت کم‌توان فعلی
۳. محکوم کردن تندوری‌ها، خشونت و افراطی‌گری‌های احتمالی طالبان
۴. تبیین چرایی خروج امریکایی‌ها از افغانستان / تشریح شکست تاریخی امریکا در افغانستان
۵. تبیین اهمیت و ضرورت خروج امریکایی‌های شرور و تروریست از منطقه من جمله افغانستان
۶. بیان مظلومیت شیعیان افغان و ضرورت حفظ منافع شیعیان به عنوان هم‌کیشان دینی ما از طریق مذاکره با طالبان

### رسانه های اجتماعی

۱. حمایت از مذاکرات ایران و افغانستان و برجسته‌سازی جایگاه موثر و استراتژیک ایران در حل بحران‌های منطقه
۲. آمادگی برای واکنش صحیح در برابر انتشار جنایات گذشته و حال طالبان و محکومیت آن‌ها / تاکید بر تغییر طالبان و فاصله گرفتن از تندروی‌های گذشته / احتمال رفتارهای خودسر در رده‌ها پایین
۳. تبیین دلایل استراتژیک حمایت تلویحی ایران از گروه طالب در افغانستان
۴. تشریح فواید امنیتی خروج امریکا از افغانستان
۵. برجسته‌سازی شکست امریکایی‌ها در منطقه
۶. طرح تدریجی برخی از فسادها و ناکارآمدی‌های دولت فعلی افغانستان
۷. آگاهی بخشی به مخاطبان درباره وضعیت کشور افغانستان / تنوع قومیتی / میزان مشارکت سیاسی مردم و مشروعیت دولت فعلی / میزان نفوذ مردمی طالبان و ....